

« از انتقاد نهر اسیم »

هنوز طنین سخنان شاهنشاه که با عزمی راسخ و نیروئی شگرف در گنجره انقلاب شاه و مردم در سال ۱۳۴۱ ایراد گردیده در گوش مردم زحمتکش مملکت و نسل مترقی کشور انکاس مطلوب خود را حفظ کرده است . اکنون از آن زمان چهار سال تمام میگذرد ، چهار سالی که برای ملت ما ارمغانی از سعادت و نیکبختی بهمراه داشته و موجی از امیدپر شور و با احساس نسبت بآینده .

در این زمان کوتاه گام های بلند برداشتیم ، قسمتی از موانع را پشت سر گذاشتیم ، بسیاری از سدها را شکستیم و برای رسیدن به کاروان پیشتاز عصر حاضر با عزمی راسخ به نوسازی وطن خود پرداختیم کارنامه فعالیت ما در مقایسه با گذشته درخشان است ولی نسبت به بزرگی حجم کاریکه در پیش داریم ناچیز است ، اگر از قبول این حقیقت وحشت نکنیم اگر شهامت کافی برای درک این واقعیت داشته باشیم و اگر از باده پیروزی همه جانبه نشده خودسر مست نگردیم انتقاد را بپذیریم و صادقانه درصدد اصلاح خود بر آئیم شك نیست که مشکلات بهر اندازه که چشم گیر و مایوس کننده باشند در برابر کارما ، اراده ما ، خواستما و قدرت ما بزانو مینشینند و آرام سر باطاعت میگذارند .
مادر مقاله گذشته خود تحت عنوان «فساد دستگاه دولت ، با توجه به

حقایق و در نظر گرفتن آنچه که مردم این مملکت در کوچه و بازار در آشکار و نهان بر زبان میآورند ، کوشش کردیم از راه انصاف و عدالت و بموجب وظیفه ایکه بر عهده گرفته ایم قسمتی از درد دل ها را منعکس کنیم ، پاره ای از مسائل را بازگو نماییم و در مقابل کسانیکه يك جانبه قضاوت میکنند و بی دلیل به افکار عمومی و نظرات مردم عنایت ندارند .

بلندگویی برای انتشار نظرات و اعتقادات مردم باشیم ، زیرا معتقدیم از این راه هم به انقلاب خدمت میکنیم و هم حقایق را بگوش اعضای دولت که

بعلت گرفتاریهای فراوان کمتر با مردم تماس مستقیم دارند میرسانیم ، منتها باید گوش شنوایی باشد که از قبول حقایق وحشت نکند ، و حرف حساب و اصولی را بپذیرد و صادقانه درصدد اصلاح برآید . که البته چنین امیدواری هست .

شک نیست که جوانان موفق یعنی اعضای دولت جناب آقای هویدا که مجری منشور انقلاب شاه و مردم میباشند و همچنین حزب وابسته بدولت که خود را پاسدار انقلاب شاه و مردم معرفی میکند همه کوشش خود را مصروف آن میدانند تا راهی بسوی مردم بیابند ، شرایط جبری زمان حاضر را درک کنند ، معضلات و گره های کور جامعه ما را بکشایند و داروهای مقتضی برای درمان دردهای ملت رشد پذیر و بردبار و حق شناس ایران تجویز نمایند . در این مسأله تردید نیست که ایرانی میهن پرست و شاه دوست است . به رژیم کهنسال خود که میراث نیاکان و اجداد اوست معتقد و مؤمن است و این را بارها در طول تاریخ بمنصه ظهور رسانده و از حیثیت و اعتبار ملی و میهنی خود در سخت ترین شرایط و آشفته ترین اوضاع بین المللی آنچنان مطمئن و استوار دفاع نموده که کمتر نظیر آن در تاریخ سایر ملل و اقوام گیتی مشاهده شده است .

پس در قبول این حقیقت که میهن پرستی و ترقی خواهی در جامعه ما انحصاری نیست و ارتباطی با دسته و قشر معینی از اجتماع و طبقات ندارد نباید تردید داشت . بنابراین کسانی که خود را میهن پرست تر و صادق تر از دیگران نسبت به تعالیم شاهنشاه معرفی کنند ناآگاه در اشتباهند و اگر نخواهیم خیلی خوشبین باشیم باید عنوان کنیم که بعلت سستی و ضعف در درک حقایق بر اهی گام مینهند که سرانجام از راه شاه و مردم جداست .

همین دسته از افراد با نجهت که آمادگی قبول و پذیرش انتقاد سالم را ندارند و در خود خواهی و غرور فرعونی غرق شده اند از تمام امکانات برای خفه کردن منتقد و ناصواب جلوه دادن انتقاد استفاده کرده حرف حساب را علیه مصالح مملکت و گوینده آنرا دشمن اصلاحات که البته مقصود منافع شخصی و خصوصی آنهاست معرفی مینمایند باین اکتفا نکرده اغلب حقایق را دگرگون میسازند از ساختن و پرداختن دروغ های بزرگ و کوچک ابائی ندارند و در کمال خونسردی و بی اعتنائی و با حساب گریهای دقیق حقوق مردم را پایمال

میکنند و چون بوقلمون در هر حال و شرایط رنگ عوض مینمایند و بهر صورت براسب مراد سوارند و می‌تازند .

گرچه این افراد از نظر عددی قابل توجه نیستند ولی از آنجا که نان زرنگی‌ها ، تملق گوئیها و چاپلوسی‌های خود را می‌خورند در تمام شئون اجتماع یکنوع پیشتازی دارند ، مردان حق ، استعداد های درخشان و نهالهای اصیل را که بعلت اصالت و بی‌نیازی از شعبده بازی و صحنه سازی بیزار و گریزانند عقب می‌گذارند و برکنار و این یکی از درد های بیدرمان اجتماع ماست که در هر دوره و زمان بتناسب وضع و شرایط حاکم باشکال و فرم های گوناگون عقده‌ها ایجاد کرده ، ناراحتی‌ها تولید نموده ، کشنده روح و جان ملت ما بوده ، استعداد ها را در نطفه پشمرده و خشک نموده و پرورش سیاسی و اجتماعی افراد جامعه را متوقف ساخته است .

و البته کسانی که در دستگاه دولت صاحب عنوانند و از نزدیک با این درد ها آشنا بعلت مقام و منصبی که احراز کرده‌اند از نویسنده که حاشیه نشین و ناظر است عمیق‌تر و بیشتر همه این حقایق را درک میکنند و این مرض را که هم مسری است و هم علاجش چندان آسان نیست بهتر میشناسند ، و درست‌بهمین جهت لبه تیز انتقادات متوجه آنهاست ، زیرا بقول خودشان که مورد قبول ما هم میباشد هم قدرت قانونی دارند و هم فهم ، از فهم باید برای درک مسائل و شناخت دقیق مشکلات و معضلات استفاده کرد و از قدرت قانونی برای گشودن گره‌های کور ، این دو پدیده یعنی فهم و قدرت قانونی که مکمل یکدیگر و لازم و ملزومند در دست آنهاست و خوشبختانه با رفورم‌های اساسی که در کشور ما بوقوع پیوسته امکانات هم از هر جهت برای اقدام بفعالیت های مثبت و ثمر بخش فراهم است ، رهبر مملکت از هر گونه ریاکاری سستی و منفعت‌طلبی منزجرند و بارها ضمن سخنان و تمالیم گرانهای خود باین مطلب اشاره کرده‌اند که کشور ما در دوران حاضر مخصوصاً در دستگاه رهبری خود بیش از هر زمان دیگر احتیاج به مردان و زنان متقی پرهیز کار و فعال دارد ، دیگر دوران صحنه سازی و عوام فریبی سپری شده است و هرگز نباید اجازه داد فرصت طلبان در این جهاد عظیم ملی که در پیش داریم رخنه کرده و جایی برای خود باز نمایند .

هر فرد ایرانی این حقیقت را میپذیرد که در سالهای اخیر ، جامعه ما رصداً له‌رفته‌است ، اجرای قسمتی از برنامه‌های انقلابی بکلی شکل و فورماسیون نظام اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی کشور را در گون ساخته و معیارهای

سنجش و سازندگی جدید بوجود آورده است .

و اما این فقط يك روى سكه است ، آن روى سكه كه حاكى از توفيق نسبی ما در زمینه های سازندگی انقلابیست ، و حال آنكه روى دیگر سكه كمبود های ما را نشان میدهد ، مجموعه ای از برنامه های را تشكيل میدهد كه ناگزیر از انجام آنهاستیم ، این روى سكه با وضوح كامل حاكى از آن است كه هنوز انقلاب در تمام زمینه ها هماهنگ نشده است و این عدم توازن دو علت عمده دارد یکی درك نكردن روح انقلاب و نشناختن مبانی ایدئولوژيك آن كه بیشتر مربوط به افراد میگردد و دیگر آماده نبودن قسمتی از سازمانهای موجود برای اجرای پروژه های انقلابی كه ارتباط باشك و فرم تشكيلات پیدا میکند . انصاف باید داد كه عدم توجه باین دوسمأله حیاتی تضادها و مشكلاتی ایجاد کرده و در آینده نیز ایجاد خواهد كرد ، روى سخن ما با آن دسته از افرادیست كه انقلاب سفید ایران را پل پیروزی خود دانسته و آنچه در این باره بیان میدارند جنبه كاملاً ظاهر سازی و فریب دهنده دارد كه اصولاً با روح و موازین انقلاب متغایر است این قبیل افراد نه فقط برنامه های انقلابی را فلج میکنند بلكه در راه خیانته با انقلاب گام مینهند ، و با تصمیم قبلی چوب لای چرخ میگذارند حسد اقل عكس العملی كه در برابر چنین افرادی باید نشان داد این است كه با قطعیت كافی از نفوذ آنها به دستگاه اجرائی قانون گذاری و قضائی كشور و بدست آوردن مشاغل مهم كه در پیروزی و سرنوشت انقلاب تأثیر دارند ممانعت بعمل آید و این از وظایف حساس و بسیار عمده دولت است .

در این جا تأکید این مطلب نیز ضروری است كه بغیر از افراد صالح ، مؤمن مدیر و متخصص كه تعداد آنها در كشور ما باندازه كافیست و از این جهت در مقام مقایسه با سایر كشور ها اگر جلو نباشیم بهیچوجه عقب نمانده ایم برای توفیق در امر سازندگی جامعه خود احتیاج به تشكيلات و سازمانی داریم كه از هر لحاظ استعداد و قابلیت اجرای منویات و شعار های انقلاب را داشته باشد متأسفانه همانطور كه اشاره شد قسمتی از سازمان اداری مملكت زنگه زده و غیر قابل استفاده در شرایط نوین تاریخی است این تشكيلات فی المثل مانند آن ماشین كهنه پارچه باقی میماند كه قادر نیست مواد اولیه را بهر اندازه كه مرغوب باشد بصورتی تبدیل به پارچه كند كه باب بازار و درخور سلیقه مشكل پسند مشتری باشد تردید نیست تا زمانیکه ماشین را عوض نكنیم این عیب

بر طرف نخواهد شد برای تولید پارچه خوب وجود ماده اولیه بی عیب و نقص یک قسمت از کاریست که باید انجام دهیم قسمت دیگرش تهیه ماشین مدرن ، مجهز و دقیقی است که بتواند آن ماده اولیه را تبدیل به کالای قابل عرضه کند .

تشکیلات و سازمان يك اجتماع بعینه همان ماشین است که باید لیافت تبدیل ماده اولیه اصیل را به محصول مورد پسند و احتیاج عامه داشته باشد والا در میدان رقابت های جهانی محکوم بزوال و نیستی است . منشور انقلاب سفید ایران همان ماده اولیه اصیلی است که اکثریت قریب با اتفاق افراد کشور مخصوصاً نسل روشنفکر و مترقی مدافع سرسخت و پیکر آن میباشند متنهای این اصولی که با منویات و منافع مردم از هر جهت هماهنگ است باید در مرحله اجرا نیز بصورتی باقی بماند که از برکتش همه مردم بهره مند شوند و این میسر نیست مگر آنکه تشکیلات و سازمان اجتماع قابلیت و پرازندگی انجام چنین وظیفه خطیری را پیدا کند ، با تشکیلات ناهماهنگ و ناموزون يك مدیر هوشمند و فهیم همان کاری را میتواند بکند که يك کارگر متخصص و شایسته بسا ماشین فرسوده و غیر قابل استفاده میکند یعنی با آن کار نمیکند .

پس چه باید کرد؟؟ باید ماشین را عوض نمود باید تشکیلات راهماهنگ با شرایط زمان انقلاب و عصر نوین کرد، این تشکیلات تعمیر بردار نیست مانند کاسه شکسته ای میماند که دیگر جای بند زدن ندارد حتی اگر بهترین بند زن ها را برای اینکار خبر کنید.

انقلاب سفید ایران اکنون در مرحله ایست که باید باین مهم پردازد انقلاب ایران چیزی کم ندارد جز يك سازمان انقلابی دینامیک و منطبق با خصوصیات و خصالت عصر حاکمیت تکنولوژی.

برخلاف آنچه که بدبینان طبق يك سنت قدیمی و کاملاً مخدوش تبلیغ میکنند ما کمبود آدم نداریم ، از این بابت مایکی از پیش افتاده ترین کشورهای جهان بشمار میرویم، متفکرین ما، دانشمندان ما ، متخصصین ما، جوانان تحصیل کرده و پرشور ما باندازه کافی لیاقت و استعداد انجام وظایف ملی و میهنی خود را دارند،

ما این پرازندگی و کاردانی نسل جوان و منورالفکر را باروشنی و وضوح بسیار در قسمتی از سازمانهای دولتی و ملی مشاهده میکنیم ، چه بسیار جوانان مستعدی که بدون دریافت يك دینار کمک از دولت و یا مؤسسات خارجی و بدون داشتن

ارثیه بعنوان سرمایه اولیه با نچنان کارهای تولیدی و عام المنفعه دست زده اند که از ثمره آن تعداد زیادی از افراد مملکت بهره مند میگردند، مابدست همین جوانان و کارشناسان جوان و دانشمندان ایرانی در اندک زمان آنچنان دانشگاههای صنعتی و مؤسسات عالی فرهنگی بوجود آورده ایم که برای کسانی که بعنوان کارشناسان داخلی و خارجی از این مؤسسات جدید بازدید میکنند از هر جهت اعجاب انگیز و غیر قابل تصور است. واحدهای تولیدی صنعتی و تکنیکی ما که جملگی بدست همین جوانان ارزنده تأسیس شده و اداره میشوند مشمول همین وضع میباشند مقصود از ذکر این حقایق این است که برای تجدید بنای همه جانبه آن قسمت از سازمان و تشکیلات اداری عقب مانده کشور باندازه کافی کارشناس و متخصص داریم و این کار نه آنکه هزینه ندارد بلکه بمحض اقدام جلوی هرگونه حیف و میل و هزینه های نامربوط اداری را خواهد گرفت و از این اساسی تر آنکه موجب خواهد شد بر نامه های انقلابی با سرعت، دقت و ارزیابی مطمئن بمرحله اجرا درآیند و کشور ما را بسرعت بمرحله پیش افتاده ترین کشورهای جهان ارتقاء دهند، زیرا سایر شرایط برای چنین جهش کاملی فراهم است. فقط باید صادقانه به نیروهای فعال، روشنفکران مستعد و جوانان پاکدل که جز تأمین زندگی بهتر برای مردم کشور و حفظ و تحکیم مبانی ملی و رژیم کهن و بزرگداشت تمدن و افتخارات نیاکان خود سودائی درس و عشقی در دل ندارند میدان داد، میدان داد تا استعدادهای خفته و خاموش شده پیدارشوند و شوق و ذوق ورود به صحنه سازندگی زندگی جدید را که هم اکنون بصورت عقده های فشرده شده خود نمائی میکند پیدا نمایند.

کلیه اقدامات و روش هایی که از ایجاد چنین وضعی جلوگیری میکنند باید محکوم شوند، کلیه مقرراتی که بنحوی موجب دلسردی نیروهای فعال و نسل جوان و پر استعداد مملکت میگردند باید از بین رفته و محیط کاملاً مساعد برای پرورش این استعدادها فراهم آید.

باید از مردم، از کارشناسان، از متخصصان و از روشنفکران خواست تا نظریات خود را منعکس کرده و از انتقاد سالم در حد رعایت اصول دموکراسی حمایت نمود و منتقد را که نظری جز اصلاح امور و توفیق ذمعی قوم ندارد تشویق و تقدیر کرد، از حسادت ها، کینه توزیها، دسته بندیها، صحنه سازیها، سودجوییها و دروغ پردازیها که هر یک بنوبه خود لطمه به انقلاب میزند جداً و

شدیداً پرهیز کرد ، باید قدرت و تحمل بر خورد با عیوب و مشکلات را داشت و برای فرار از مسئولیت چاله و چاه بر سر راه انقلاب ایجاد نکرد ،

نباید فکر کرد تبلیغات درباره کاری که انجام نداده و گامی که برنداشته ایم داروی هر درد اجتماعی است رعایت صداقت و امانت در تبلیغات نیز کاملاً ضروری است بعلاوه مبلغ تا خود بمطلبی که تبلیغ میکند ایمان و اعتقاد کافی نداشته و به صحت و اعتبار آن مؤمن نباشد نباید امیدوار باشد که آن تبلیغ در شنونده اثر مثبت بگذارد ، این مسأله حتی در تبلیغات تجارتنی هم صادق است تا چه رسد به مسائل حیاتی اجتماعی که مستقیماً با سرنوشت يك جامعه و يك ملت ارتباط پیدا میکند ، باین فرمول باید توجه کافی داشت که تازمانیکه ادعائی نکرده ایم برای شنونده حق بازخواست از کم و کیف قضیه ایجاد نمیشود اما بآن هنگام که بگوئیم و نکنیم و یا نکرده باشیم و بگوئیم حق خواهند داشت از ما بپرسند چرا گفتیم و نکردیم و چرا نکردیم و گفتیم بهترین سیاست و مؤثرترین تبلیغات ، آن است که در باره حقایق موجود و آنچه که واقعیت عینی دارد بحث کند و این همان خصلتی است که روح انقلاب ایران مبتنی بر آن میباشد .

باین مطالب اساسی و مهم شاهنشاه در تمام تعالیم خود که همان زیر بنای فلسفی و ایدئولوژیک انقلاب ایران است دقیقاً توجه فرموده اند . فقط باید خوانند ، آموخت و بکار بست ، آیا ما در این راه گام برمیداریم ??